



Imam Sadegh Research Institute

for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://ipr.isri.ac.ir>

Volume: 12 ; Number: 25



Explanation and Analysis of the Jurisprudential Bases of Ayatollah Khamenei's Opinions in Defense of Social and Psychological Security

Morteza Keshavarzi Valdani, Ali Mohammadian

doi: <https://doi.org/10.22034/ipr.2024.466227.2153>

Received: 2024/7/4 ; Accepted: 2024/10/1

(128-149)

Abstract

In light of the comprehensive and codified nature of Islamic teachings, which encompass all aspects of human life, this article aims to identify cases of jurisprudence related to the category of social and psychological security. Additionally, it seeks to examine Ayatollah Khamenei's perspectives on this subject. His position is significant in light of his expertise in Islamic jurisprudence and extensive experience in managing society. He has effectively integrated religious teachings into his management strategies, exemplifying the implementation of Sharia principles. His approach can serve as a valuable reference for those engaged in societal leadership. The findings of the research indicate that, in addition to discussions such as war and corruption in the land, the category of defending social and psychological security in jurisprudence encompasses discussions of defensive jihad, banning sexual crimes, and other doctrines such as the sanctity of The crystallization of backbiting, lies, and slander as a means of ensuring societal security is evident in the statements of Ayatollah Khamenei, wherein the manifestations of these cases, their explanations, expansions, and clarifications can be clearly extracted and identified.

Keywords: Defense, Social Security, Psychological Security, Jurisprudential Heritage, Opinions Of Ayatollah Khamenei

*. This article is taken from the research project number "39276" of Bozormehr Qaenat University.

** Assistant Professor, Department of Fiqh and Islamic Law, Faculty of Humanities, Bozormehr Qaenat University, Qaenat, Iran, (corresponding author), keshavarzvm@buqaen.ac.ir.

*** Associate Professor, Department of Fiqh and Islamic Law, Faculty of Humanities, Bozormehr Qaenat University, Qaenat, Iran, mohammadian@buqaen.ac.ir.



پژوهشگاه علوم اسلام صفاق
پژوهشگاه مطالعات سیاسی و دفاعی
P. ISSN: 2346-5706 & E. ISSN: 2717-3720
نشانی پانگه نشانی: http://ipr.isri.ac.ir
سال دوازدهم، شماره بیست و پنجم

تبیین و تحلیل مبانی فقهی آرای مقام معظم رهبری در دفاع از امنیت اجتماعی و روانی*

مرتضی کشاورزی ولدانی، ** علی محمدیان ***

شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/ipr.2024.466227.2153>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۱۰
(۱۴۹-۱۲۸)

چکیده

با عنایت به اینکه آموزه‌های اسلام از جامعیت برخوردار بوده و برنامه‌ای مدون برای تمامی ابعاد زندگی انسان دارند، نوشتار پیش‌رو کوشیده است در پژوهشی مسئله‌محور، با رویکرد توصیفی-تحلیلی، مواردی از احکام فقهی را که به‌تجوی با مقوله امنیت اجتماعی و روانی مرتبط هستند، شناسایی کرده و آرای مقام معظم رهبری را در این باره مورد مذاقه قرار دهد. نیک پیداست که مواضع ایشان از این جهت حائز اهمیت شایان است که معظم‌له ضمن اینکه فقیهی حاذق هستند، در طول سالیان، از رهگذر مدیریت جامعه تجارب ارزشمندی کسب کرده و با تأسی به آموزه‌های دینی، پیاده‌سازی تعالیم راهبردی شریعت را مدنظر قرار داده‌اند؛ از این‌رو، تبیین رویکرد ایشان می‌تواند به‌مثابه الگویی درخشان فراروی مدیران جامعه قرار گیرد. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که پرداختن به مقوله دفاع از امنیت اجتماعی و روانی در میراث فقهی، در ضمن مباحثی همچون محاربه و افساد فی الارض، بحث جهاد دفاعی، تحریم جرایم جنسی و همچنین برخی از آموزه‌های دیگر از قبیل حرمت غیبت، دروغ، تهمت و... که تأمین‌کننده امنیت جامعه است تبلور یافته و جلوه‌های این موارد و تشریح، بسط و روشن‌گری آن‌ها در بیانات مقام معظم رهبری به‌روشنی قابل استخراج و شناسایی است.

واژگان کلیدی: دفاع، امنیت اجتماعی، امنیت روانی، میراث فقهی، آرای مقام معظم رهبری.



* مقاله حاضر مستخرج از طرح

پژوهشی شماره «۳۹۲۷۶» دانشگاه
بزرگمهر قاننات می‌باشد.

** استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی،
دانشکده علوم انسانی، دانشگاه
بزرگمهر قاننات، قانن، ایران (نویسنده
مسئول)،
keshavarzvm@

buqaen.ac.ir

*** دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی،
دانشکده علوم انسانی، دانشگاه
بزرگمهر قاننات، قانن، ایران،
mohammadian@buqaen.ac.ir

مقدمه

امنیت به جهت ارزش و جایگاه رفیع آن در زندگی هر انسانی، در زمره بزرگ‌ترین نعمات الهی دانسته شده است. آثار و برکاتی که برای امنیت بیان شده و می‌شود، خود بهترین شاهد در اهمیت و ارزش امنیت و آرامش در زندگی بشر است. خداوند درباره امنیت عام و فراگیر - به عنوان یکی از نعمت‌های بزرگ - به امنیت در جغرافیای سرزمینی سبأ اشاره می‌کند و می‌فرماید: «و میان آنان و آبادی‌هایی که در آن‌ها برکت نهاده بودیم، شهرهای متصل به هم قرار دادیم و در میان آن‌ها مسافت را، به اندازه مقرر داشتیم. در این [راه]‌ها، شب‌ها و روزها با امنیت و آسوده خاطر بگردید» (سبأ: ۱۸).

مقوله امنیت و اهمیت آن در احادیث امامان معصوم علیهم‌السلام نیز بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. از دیدگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امنیت یکی از چند نعمتی است که با آن نعمت‌های الهی کامل می‌شود. ایشان می‌فرمایند: هرکس شب و روز خود را سپری کند و از سه چیز برخوردار باشد نعمت دنیا را کامل دارد: «کسی که بام و شامش را در تندرستی و امنیت و آسایش خاطر بگذراند و خوراک روزانه خود را داشته باشد. حال اگر چهارمین نعمت را هم داشته باشد، نعمت دنیا و آخرت بر او کامل شده است و آن نعمت اسلام است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۱۴۸).

باید توجه داشت امنیت شامل ابعاد گوناگونی است که در میان آن‌ها امنیت اجتماعی و روانی اساس و پایه دیگر امنیت‌هاست و اگر امنیت اجتماعی وجود داشته باشد، ناامنی‌های بین‌المللی و ملّی به وجود نمی‌آید و آسیبی به مملکت و ملت وارد نمی‌شود و جان و مال افراد در خطر قرار نمی‌گیرد.

در فقه اسلامی نیز با توجه به اهمیت زیاد امنیت و آرامش در سعادت بشر از دیدگاه قرآن، به این امر توجه ویژه‌ای مبذول شده است. توجه قرآن به امنیت در این گستره وسیع از آیات، خود گواهی روشن بر مسئولیت و تکلیف امت و امام برای تأمین آن است. همچنین، ارتباط بخش فراوانی از مباحث فقهی مانند حدود، دیات و جهاد با مقوله امنیت، نشان از اهمیت امنیت در اسلام و زمینه‌ای برای نهادینه شدن فرهنگ امنیت در جامعه اسلامی است و بر دولت اسلامی واجب است تا به اشکال گوناگون از امنیت افراد جامعه و حتی جوامع دیگر دفاع و صیانت کند و به تأمین آن اقدام نماید. بنابراین، از یک سو تبیین مؤلفه‌های امنیت

روانی و اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ و ازدیگرسو با عنایت به این مهم که مقام معظم رهبری به‌منزله رهبر حکیم جامعه، با تأسی به آموزه‌های دینی - و خاصه آموزه‌های فقه مرفقی امامیه - پیاده‌سازی تعالیم راهبردی شریعت را مدنظر قرار می‌دهند و نیز شناخت جامعه‌ی که ایشان از رهگذر مدیریت جامعه در طول سالیان و تجارب ارزشمندی که دراین‌زمینه برخوردار می‌باشند و از مقتضیات و نیازهای زمان کسب کرده‌اند، تبیین مواضع و رویکرد معظم‌له می‌تواند به‌مثابه الگویی درخشان پیش‌روی مدیران و مسئولان جامعه درجهت پیشبرد راهبردهای کلان نظام اسلامی قرار گیرد. ناگفته پیداست در دوره کنونی، تمدن مرفقی اسلامی، مهم‌ترین رقیب نظام لیبرالیستی در عرصه بین‌الملل بوده و ایران اسلامی، در مقابل گفتمان غرب، انقلاب اسلامی مبتنی بر فطرت توحیدی و نظریه ولایت فقیه را به جهانیان معرفی کرده است. دراین‌بین، شناساندن و معرفی دیدگاه مقام معظم رهبری - بسان الگویی پیشتاز دراین‌زمینه - از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا نقش پررنگ ایشان در تعمیق و توسعه نهضت از نخستین روزهای انقلاب تاکنون بر هیچ فرد منصفی پنهان نیست و از آنجاکه بدون شک حضور موفق در عرصه‌های جهانی با وجود دشمنان متعدد داخلی و خارجی، براساس یک الگوی نظری و عملی منسجم ضروری است، ازاین‌رو، استخراج آرای رهبر انقلاب می‌تواند دراین‌زمینه گره‌گشا باشد.

۱. روش پژوهش

پژوهش پیش‌رو مانند بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه علوم اسلامی از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و با رجوع به مستندات و منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به بیانات مقام معظم رهبری، از ابتدای زمامداری معظم‌له تاکنون، نگاشته شده است. همچنین از آنجاکه در تحقیقات اسلامی و دینی، پردازش و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری‌شده، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین بخش‌های پژوهش به‌شمار می‌آید، پژوهش فرارو سعی کرده است ضمن استخراج و احصای دقیق مواضع بحث از خلال بیانات و آثار معظم‌له، به تفکیک هر یک از مقاصد بحث را به‌صورت منظم و هدفمند ارائه کرده و به تحلیل دقیق آن پردازد.

۲. پیشینه پژوهش

در باب پیشینه پژوهش باید گفت اگرچه تاکنون راجع به مقوله امنیت اجتماعی مقالاتی به رشته تحریر درآمده است؛ مثلاً در یکی از این پژوهش‌ها (شایگان، ۱۳۹۲: ۲۴۵)، نویسنده کوشیده است دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره تهدیدهای امنیت اجتماعی را بررسی کند؛ یا در مقاله‌ای دیگر (افتخاری، ۱۳۸۹: ۷)، جایگاه مقوله امنیت عمومی، شرایط نظری و عملی، خطوط ترسیمی ازسوی مقام معظم رهبری برای دست‌اندرکاران حوزه امنیت، لوازم اخلاقی و رفتاری متصدیان امنیت عمومی و همچنین آسیب‌های مقوله امنیت عمومی در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مجموعه پرسش‌هایی است که مقاله مزبور کوشیده برای آن‌ها پاسخی درخور بیابد.

همچنین، مقاله‌ای دیگر (جلیل‌وند و هاشمی، ۱۴۰۱: ۱۴۹) به این نتیجه دست یافته است که در بیانات امام راحل و همچنین رهبری معظم انقلاب، به مقوله امنیت اجتماعی توجه شده است؛ مثلاً در بُعد کلان می‌توان مواردی از قبیل عدالت آموزشی یا مسئله عدالت اجتماعی و همچنین اموری از قبیل مشارکت عمومی و همگانی را مورد اشاره قرار داد. در سطح خرد نیز مواردی از قبیل توجه به افراد محروم جامعه، مبارزه با فساد و تبعیض، نظارت مستمر بر نهادهای دولتی و مدیران و... را می‌توان نام برد.

لکن چنانچه روشن است و در ادامه نیز به تفصیل ذکر خواهد شد، در باب مصادیقی که این نوشتار به شرح و بسط آن‌ها همت گمارده و از جهت دفاع از کیان امنیت اجتماعی و روانی آن‌ها را در میراث و متون دینی و فقهی در مطالعه گرفته و خاصه از جهت بازشناسی احکام و کیفی‌های شرعی ناظر به دفاع از امنیت اجتماعی آن‌ها را مورد اشاره و تحلیل قرار داده و نیز تشریح آرای مقام معظم رهبری به‌مثابه حکیم فرزانه و مدیر جامعه اسلامی، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته و موضوع مقاله از این حیث از نوآوری و تازگی برخوردار است.

۳. مفاهیم بنیادین پژوهش

۳-۱. امنیت

لغت‌شناسان معتقدند که واژه امنیت از ریشه «أمن» بوده و در معانی سکون و قرار و آرامش دل و همچنین تصدیق و پذیرش به کار می‌رود؛ از این جهت که انسان امری را مورد تأیید قرار می‌دهد که نسبت به آن اطمینان یافته و دلش بدان رضا داده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۳۴). راغب اصفهانی این واژه را به معنای سکون نفس و عدم ترس دانسته و صاحب مصباح‌المنیر نیز بر این معنا صحّه گذاشته است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۲۵؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۴). دیگر اهل لغت نیز با تأیید این معنا، امنیت را نقطه مقابل ترس و ضد خوف معنا کرده‌اند (خلیل‌بن‌احمد، ۱۴۰۹، ج ۸: ۳۷۷). چنین معنایی در کتب لغت فارسی نیز مورد تأیید قرار گرفته است (معین، ۱۳۸۰: ۱۲۲).

معنای اصطلاحی امنیت نیز جدای از معنای لغوی امنیت نبوده و پژوهشگران معتقدند این واژه در کتاب و سنت در همان معنای لغوی خود به کار رفته است (ری‌شهری، ۱۳۹۱، ج ۷: ۴۹۴). برخی نویسندگان نیز امنیت را به فراغت از همه نوع تهدید و حمله تعریف کرده‌اند که همان‌گونه که مشاهده می‌شود با معنای لغوی این واژه مناسبتی تام دارد (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۹).

۳-۲. دانش فقه

اهل لغت فقه را به معنای فهم ژرف و عمیق معنا کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۵۲۲؛ طریحی، ۱۴۱۶، ج ۶: ۳۵۵). در اصطلاح نیز فقه را به دانش آگاهی یافتن و وقوف به احکام شرعی فرعی براساس منابع و مستندات چهارگانه آن، یعنی قرآن، سنت، اجماع و عقل تعریف کرده‌اند (علامه‌حلی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۳۱؛ شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱: ۴۰). شهید مطهری فقه را چنین تعریف می‌کند: «فهم ژرف و استنباط عمیق احکام و مقررات ناظر به زیست فردی و اجتماعی آحاد مسلمین از منابع و مستندات معین» (مطهری، ۱۳۸۱: ۳۱۱).

۳-۳. قلمرو دانش فقه

بحث از قلمرو دین از جمله مسائل نوپا در دین‌پژوهی معاصر به‌شمار می‌رود. در پاسخ بدین

پرسش، به‌طورکلی دو دیدگاه متفاوت بروز کرده است. برخی متفکران از موضع دینی به این مسئله پرداخته و گروهی، تبیینی سکولار از آن ارائه کرده‌اند. ۱. دیدگاه حداقلی: رویکرد حداقلی به دین، عمدتاً در بین روشنفکران و نواندیشان دینی رایج است. این گروه با محصور کردن کارکرد دین در سعادت اخروی، دخالت و حضور دین در ساحت اجتماع و امور سیاسی را نپذیرفته و به‌نوعی رویکردی تقلیل‌گرایانه در مسئله داشته‌اند (سروش، ۱۳۷۸: ۱۱۰)؛ ۲. در مقابل، بسیاری از اندیشوران برجسته اسلامی دیدگاه مزبور را برنتابیده و در خلال آثار خود از همگرایی و همسویی دین و دنیا سخن به‌میان آورده و دیدگاهی جامع‌نگرانه در این باب اتخاذ کرده‌اند. از باب نمونه، شهید مطهری معتقد است جامعیت و شمول آموزه‌های اسلام، وجه تمایز آن از دیگر مکاتب و ادیان است. وی اسلام را مکتبی جامع و واقع‌گرا می‌داند که به تمامی ابعاد زندگی بشری - اعم از دنیوی و اخروی، جسمی و روحی، فردی و اجتماعی - توجه کرده است (مطهری، ۱۳۷۲: ۶۳). برخی دیگر از متفکران نیز اسلام را دین تمام‌زندگی معرفی کرده‌اند که دربرگیرنده تمامی ابعاد زندگی انسان بوده و هیچ موضوعی خارج از حوزه شمول آن نیست (نصر، ۱۳۸۲: ۲۱).

در مقام تحلیل و ارزیابی به‌نظر می‌رسد دیدگاه دوم صائب است؛ زیرا لازمه فطری بودن و خاتمیت دین اسلام، گستردگی و فراگیر بودن آموزه‌های دینی و ازجمله تعالیم فقه اسلامی نسبت به تمامی اعصار و در نتیجه قدرت پاسخ‌گویی نسبت به تمامی نیازهای بشر در گستره حیات خویش است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۷۷؛ تبریزی جعفری، ۱۴۱۸: ۱).

۳-۴. فقه امنیت

مقصود از فقه امنیت قسمتی از مباحث و مکتوبات فقهی است که مسائل و موضوعات مرتبط با امنیت را مورد بحث و نظر قرار می‌دهد. از این‌رو، تعبیرات و اصطلاحات مقابل آن، از قبیل فقه معاملات یا فقه عبادات یا فقه جزائیات، بخش‌های دیگر فقه را شکل می‌دهند که به موضوعات متفاوت می‌پردازند؛ از این‌رو، هنگامی که از فقه امنیت سخن گفته می‌شود مقصود آن قسمت از احکام فقهی است که ناظر به بحث امنیت در میراث دینی و نیز مکتوبات فقهی وارد شده‌اند (علیدوست، ۱۳۹۴: ۱۲).

۵-۳. امنیت اجتماعی

مقصود از امنیت اجتماعی، آسایش همگانی توده‌ها و شهروندان جامعه اسلامی بوده و هر امری که با چنین آسایش و اطمینانی در تعارض قرار گرفته و چنین آسایشی را تهدید کند خلاف امنیت اجتماعی خواهد بود. در این زمینه، فرقی نمی‌کند که چنین تهدیدی به دلیل اعمال خلاف قانون دولت اتفاق بیفتد یا اینکه توسط گروهی از شهروندان یا فردی از آحاد جامعه صورت گیرد. همچنین، در از بین رفتن امنیت اجتماعی تفاوتی ندارد که این تهدید نسبت به تمامی افراد جامعه صورت گیرد یا اینکه صرفاً بخشی از ایشان را هدف قرار دهد (جزایری، ۱۳۷۹: ۱۰). همان‌طور که از تعریف مشخص است، منظور از اجتماع در امنیت اجتماعی این است که امنیت در ارتباط با جامعه و ناظر به حکومت و شهروندان تأمین شود؛ از این رو، در عنوان ارائه‌شده نظری به علوم اجتماعی معهود (Social Sciences) به عنوان تخصص‌های آکادمیک مرتبط با جامعه در روابط افراد نیست.

۴. مصادیق حفاظت از امنیت در متون فقهی و آرای مقام معظم رهبری

۴-۱. برخورد با محارب و مفسد فی الارض

«محاربه» لغتی عربی است که به معنای «جنگ و کارزار کردن» به کار رفته است. در لسان‌العرب آمده است: «محاربه از حرب گرفته شده و نقیض سلم و سازش می‌باشد. حارب، محاربه و حراب به معنای دشمنی و خصومتی است که صلح و سازش در آن نباشد» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۳۰۳). این واژه مصدر باب مفاعله و نقیض واژه سلم (صلح) می‌باشد و در اصل به مفهوم سلب و گرفتن است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳: ۲۱۴؛ مشکینی، ۱۴۱۹: ۴۷۶). از این جهت، در مورد کسی که برای جنگیدن با دیگران یا ترسانیدن آن‌ها سلاح می‌کشد، به کار می‌رود، که وی قصد گرفتن مال یا امنیت یا جان دیگران را دارد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۶: ۱۴۴).

غالب فقهای امامیه در تعریف اصطلاحی محاربه و محارب تعاریف نسبتاً متشابهی ارائه کرده‌اند. امام خمینی در تعریف محارب در تحریر الوسیله چنین می‌نگارد: «محارب کسی است که سلاح خود را آخته و آماده سازد و به ترساندن مردم و سلب امنیت و ایجاد

فساد در جامعه اقدام نماید، خواه در صحرا باشد یا در دریا، در شهرها باشد یا در جاده‌ها، شب باشد یا روز، زن باشد یا مرد؛ در همه حالات محارب نامیده می‌شود و احکام محاربه با خدا در مورد او اجرا می‌گردد» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۴۹۳). شهید اول در لمعه چنین می‌نگارد: «الْمُحَارَبَةُ: وَ هِيَ تَجْرِيدُ السَّلَاحِ بَرًّا أَوْ بَحْرًا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا لِإِخَافَةِ النَّاسِ فِي مِصْرٍ وَ غَيْرِهِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى قَوِيٍّ أَوْ ضَعِيفٍ»؛ محاربه به معنای تجرید و بیرون کشیدن سلاح است؛ چه در دریا؛ چه در خشکی؛ شب یا روز؛ برای ترسانیدن مردم در شهر و غیر آن؛ چه فاعل این عمل مرد باشد یا زن؛ قوی باشد یا ضعیف (شهید اول، ۱۴۱۰: ۲۶۴). صاحب جواهر الکلام نیز در این زمینه با نقل روایاتی از ائمه طاهرین علیهم‌السلام، محارب را به کسی که در شهری از شهرها اسلحه بکشد و مردم را مضروب سازد و حیوانات را از بین ببرد و اموال مردم را سرقت کند، هر چند کسی را نکشد تعریف کرده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱: ۵۶۴). حکم محاربه در اصل از آیه ۳۳ سوره مائده گرفته شده است: «مجازات افرادی که با پروردگار و رسول خدا به نبرد می‌پردازند این است که یا کشته شوند یا به دار آویخته گردند یا اینکه با کیفر قطع دست و پا مواجه شوند و یا اینکه تبعید شوند».

در باب شأن نزول آیه شریفه مزبور آمده است که: «جمعی از مشرکان خدمت پیامبر آمدند و مسلمان شدند، اما آب و هوای مدینه به آن‌ها نساخت؛ رنگ آن‌ها زرد و بدنشان بیمار شد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای بهبودی آن‌ها دستور داد به خارج مدینه در نقطه خوش آب و هوایی از صحرا که شتران زکات را در آنجا به چرا می‌بردند بروند و ضمن استفاده از آب و هوای آنجا از شیر تازه شتران به حد کافی استفاده کنند. آن‌ها چنین کردند و بهبودی یافتند؛ اما به جای تشکر از پیامبر چوپان‌های مسلمان را دست و پا بریده و چشمان آن‌ها را از بین بردند و سپس دست به کشتار آن‌ها زدند و شتران زکات را غارت کرده و از اسلام بیرون رفتند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دستور داد آن‌ها را دستگیر کردند و همان کاری که با چوپان‌ها انجام داده بودند به عنوان مجازات درباره آن‌ها انجام یافت؛ سپس آیه فوق درباره این‌گونه اشخاص نازل شد و قانون اسلام را در مورد آن‌ها شرح داد» (طبرسی، ۱۴۲۷، ج ۳: ۲۹۲؛ قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۷۷).

در آیه شریفه فوق کیفر سنگین سلب حیات و همچنین تبعید برای فردی که به محاربه می‌پردازد تعیین شده و افزون بر عقوبت دنیایی، محاربان تهدید به کیفر اخروی نیز شده‌اند. در

منطق شریعت مقدس اسلام، وظیفه مواجهه با خطر محارب، وظیفه‌ای عمومی بوده که لازم است همه آحاد مسلمانان در برابر عوامل خطر افکن بایستند و با دفاع از مظلوم، جلوی طغیان مهاجم را بگیرند. کلام استوار امیرالمؤمنین علیه السلام «كُونَا لِلظَّالِمِ حَصَمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (نهج البلاغه: نامه ۴۷)؛ دشمن ستمگر و یاور ستم‌دیده باشید، خود حجت آشکاری بر لزوم برطرف نمودن تهدید و تقابل سخت با محاربان است (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ج ۳: ۴۲۷).

مقام معظم رهبری نیز با توجه به اهمیت مسئله در این باره بر این عقیده‌اند که: وقتی گروهی با نظام اسلامی و حکومت اسلامی در حال جنگ هستند که محارب‌اند. فقط آدم‌هایی که الان شمشیر دستشان است محارب نیستند، بلکه آن کسی هم که فرض بفرمایید رفته پستش را تحویل بدهد و بیاید، او هم جزو همین‌هاست؛ آن کسی که دارد خط‌دهی می‌کند، طراحی می‌کند، او هم [جزو این‌هاست]؛ سرباز ذخیره‌شان هم جزو این‌هاست؛ تفاوتی نمی‌کند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۳/۱۱).

همچنین، آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی به مناسبت هفتمین روز شهادت جمعی از مردم مؤمن زاهدان در انفجار تروریستی مسجد جامع این شهر، این عمل را مصداق بارز محاربه و افساد فی الارض قلمداد کرده و پشتیبانی اصلی این جنایت را دستگاه‌های جاسوسی آمریکا، رژیم صهیونیستی و انگلیس دانستند و تأکید کردند که یکی از اهداف اصلی دشمنان، از این اقدام تروریستی اختلاف افکنی و فتنه‌انگیزی مذهبی است؛ اما جمهوری اسلامی اجازه نخواهد داد ایادی استکبار جهانی به هدف خود برسند و همه دستگاه‌های مسئول در قوای سه‌گانه موظف‌اند با دشمنان وحدت و امنیت کشور با قاطعیت و جدیت مقابله کنند و آنان را به سزای اعمال خود برسانند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۴/۳۰).

معظم‌له با هشدار به کسانی که می‌خواهند به اسم اصلاح و براندازی امنیت کشور را به مخاطره افکنند، چنین اظهار داشتند که جمهوری اسلامی و مسئولان آن بعد از این نه حق دارند و نه تصمیم دارند که در مقابل کسانی که می‌خواهند با شعار آزادی علیه منافع مردم، علیه خود آزادی و علیه سرنوشت این ملت اقدام و حرکت کنند، مماشات کنند. در محافل خودشان نشستند و گفتند ما می‌خواهیم براندازی قانونی کنیم! چیز عجیبی است! ما چیزی به اسم براندازی قانونی نمی‌شناسیم. هر حرکت و تلاشی که به قصد براندازی صورت گیرد،

شروع به محاربه است. حکم محارب هم در اسلام معلوم است. این مخصوص ما هم نیست. ما که این همه دشمن و معاند داریم و این‌گونه در دنیا محاصره اقتصادی و تبلیغاتی شده‌ایم، باید بیشتر به فکر باشیم؛ اما دیگران نیز همین‌طور فکر می‌کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

ایشان در بیانات دیگری، در تشریح سیره امیرالمؤمنین علیه السلام چنین بیان داشتند که «دوست داشتن مردم از صمیم قلب» و «محبت و مدارا با آنان» از دیگر فرامین آن امام همام به مالک بود و به دستور امیرمؤمنان، باید از لغزش‌ها و خطاهای مردم گذشت کرد؛ البته، به جز مواردی که حدود الهی زیر پا گذاشته می‌شود یا پای محاربه با اسلام و حکومت اسلامی در میان است (که این موارد دیگر جای مماشات نیست) (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۴/۲۳).

۲-۴. جهاد دفاعی

مقصود از جهاد دفاعی در منطق تفکر اسلامی یعنی نبرد با هدف دفاع از کیان اسلام و سرحدات اسلامی در مواجهه با افرادی که بنیاد دین و امنیت اسلام را مورد تهدید قرار می‌دهند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۹، ج ۳: ۱۴۳). برخی دیگر گفته‌اند: «جهاد دفاعی، مبارزه با دشمنان و مهاجمان است برای دفاع از حوزه اسلام و سرزمین‌های اسلامی و برای دفاع از جان و مال و حیثیت و فرهنگ مسلمانان؛ لکن با اندکی تأمل و توجه ممکن است گفته شود جهاد ابتدایی نیز به‌گونه‌ای بازگشت آن به جهاد دفاعی است؛ زیرا درحقیقت جهاد ابتدایی نیز یک نوع دفاع است؛ دفاع از حقوق خداوند و دفاع از حقوق انسان‌های مستضعف» (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۲۳). همچنین، در تعریف جهاد دفاعی این تعریف نیز آمده است که: «جهادی است برای حفظ بیضه اسلام هنگام هجوم کفار به مقصد تسخیر بلاد اسلام و تسلط بر مسلمین و اعلان شعائر کفر و اضمحلال کلمه اسلام» (فراهانی، ۱۴۲۶: ۵۴۳).

آرامش و ایجاد امنیت برای ستم‌دیدگان، از آثار جهاد است؛ زیرا پس از جهاد، جامعه‌ها اصلاح شده، بازسازی می‌شوند و ستم‌دیدگان فرصت می‌یابند که در پناه امنیت حاصل آمده

از جهاد، در پی منافع مشروع دنیایی و اخروی خود باشند (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۸، ج ۱: ۱۶۶).

همچنین، دفاع از مستضعفان و ستم‌دیدگان نیز از آثار جهاد برشمرده شده است. خداوند در قرآن در این زمینه می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ (نساء: ۷۵)؛ شما را چه می‌شود که در راه دین خدا و نجات مستضعفان، اعم از زنان و مردان و کودکان ستم‌دیده، مبارزه نمی‌کنید؟» (جمعی از محققان، ۱۴۲۹: ۳۴).

شهید مطهری در زمینه تشریح جهاد معتقد است که: «جنگی که به خاطر تصاحب سرزمینی باشد، این را می‌گویند تهاجم؛ ولی اگر جنگی برای دفع تهاجم باشد اینجا دین چه باید بگوید؟ آیا باید بگوید: جنگ مطلقاً بد است و ما طرف‌دار صلحیم؟! بدیهی است که این سخن مسخره است. حریف دارد با ما می‌جنگد و ما با کسی که به ما تهاجم کرده در حالی که می‌خواهد ما را بر بایند نجنگیم و در واقع، از خودمان دفاع نکنیم به بهانه صلح! این صلح نیست، تسلیم است. اگر کسی بگوید که من مخالف جنگم و جنگ مطلقاً بد است، چه جنگی که تهاجم باشد و چه جنگی که دفاع و مبارزه با تهاجم باشد، اشتباه کرده است. جنگ تهاجمی قطعاً بد است و جنگ به معنای ایستادگی در مقابل تهاجم قطعاً خوب است و از ضروریات زندگی بشر است» (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۰: ۲۱۸).

در منابع روایی نیز آمده است که: «برترین روشنی چشم برای حاکمان، برقراری امنیت در شهرها و آشکار شدن دوستی سپاهیان است. پس هنگامی که سپاهیان این‌گونه شدند، سینه‌هایشان سالم، چشمانشان پاک و تعهدشان نسبت به فرماندهانشان افزایش می‌یابد» (بروجردی، ۱۴۲۹، ج ۲۲: ۶۲۳).

دفاع از کیان و سرحدات جامعه اسلامی در آرای مقام معظم رهبری نیز جلوه‌ای خاص دارد. ایشان در ضمن یک سخنرانی درباره اهمیت نیروی تدافعی کشور اظهار داشتند: «یکی هم مسئله فتنی و ابزارهای (دفاعی) ماست؛ همین کارهایی که دارند می‌سازند، همین موشکی که چند روز پیش از این رونمایی کردند؛ این‌ها مهم است، این‌ها خیلی مهم است، این‌ها در حفظ امنیت کشور خیلی تأثیر دارد. این‌ها که کشور بتواند از خودش دفاع بکند و این را دیگران بدانند که این قدرت دفاعی در کشور هست، این خیلی مهم است. شما ببینید سر قضیه اس ۳۰۰

که ما می‌خواستیم بخریم، چه جنجالی راه انداختند و پشت این جنجال چه تحرکاتی. این قدر مسافرت کردند به روسیه -ییا، برو، فلان- که این اتفاق نیفتد؛ درحالی‌که اس ۳۰۰ که بنا نیست شهری را بزند، اس ۳۰۰ بناست مهاجم را بزند، این است دیگر؛ یعنی دشمن قدرت دفاعی را در کشور نمی‌تواند تحمل بکند، این که شما قدرت دفاعی داشته باشید را نمی‌تواند تحمل کند. بنابراین، یکی از اساسی‌ترین کارها همین است که ما ابزارهای دفاعی مان را تقویت بکنیم و هرکدام از این سه عامل -یعنی عامل روحیه مردم، عامل حفظ و استحکام تشکیلاتی دستگاه‌های حافظ امنیت، و عامل ابزار و وسیله- تضعیف بشود به ضرر ماست و هر کسی تضعیف بکند، واقعاً به ضرر کشور اقدام کرده است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۶/۳).

همچنین، آیت‌الله خامنه‌ای در پیام به مجمع سالانه فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مستضعفین سراسر کشور ویژگی‌هایی را برای جهاد و جهادگران برشمردند؛ از جمله اینکه: ۱. حفظ توان روحی در جهت پاسداری از کیان انقلاب و اسلام و مرزهای کشور؛ ۲. تقویت و نیرومندسازی توانایی‌های تشکیلاتی به نحوی که کمترین خلل و تعللی در این زمینه نباید ایجاد شود؛ ۳. تعامل تام و صمیمت بین ارتش و سپاه. چه اینکه دشمنان قسم خورده اسلام و انقلاب با القای شایعات، به دنبال تفرقه‌افکنی بین نیروهای مسلح کشور می‌باشند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۶/۲۶).

معظم‌له در ضمن یک سخنرانی، لازمه برطرف کردن و اطفای تهدیدات نظامی را در اقتدار و نیرومندی قوای مسلح کشور دانسته و تصریح کردند که بعضی اوقات اظهاراتی از سوی پاره‌ای از افراد مطرح شده و ادعا می‌شود که رفع تهدیدات نظامی به جهت فلان اتفاق بوده است؛ در صورتی که این ادعاها صحیح نیست؛ چه اینکه یگانه عامل رفع تهدیدهای مستکبران، توانایی‌های نظامی و به وجود آمدن دلهره و ترس از قدرت نظامی کشور است. همچنین، مقام معظم رهبری با اظهار تعجب از برخی سخنان مبنی بر اینکه عامل موفقیت و پیشرفت بسیاری از دولت‌ها، محدود ساختن نیروی نظامی بوده است، تأکید و تصریح کردند که چنین اظهاراتی به شدت غلط و گمراه‌کننده است؛ زیرا دولت‌هایی که ادعا می‌شود قوای نظامی خود را محدود کردند، چنین کاری را از روی اختیار مرتکب نشدند؛ بلکه به جهت اینکه این امکانات در جنگ جهانی از بین رفته و نابود گشتند، به اجبار

تن به این کار دادند و در واقع، دیگر اجازه داشتن سازمان نظامی به آن‌ها داده نشد. بدیهی است که هیچ فرد خردمندی نیرو و قدرت تدافعی خود را کنار نمی‌گذارد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۶/۲۸).

۳-۴. مجازات برهم‌زنندگان امنیت روانی احاد جامعه (توهین، قذف، دروغ‌گویی و غیبت)

یکی از مواردی که امنیت اخلاقی جامعه را به مخاطره می‌اندازد این است که دادن نسبت‌های ناروا و دروغین در جامعه زیاد شده و افراد با بدترین و شدیدترین الفاظ باب فحاشی را باز کرده و از این حیث منجر به ایجاد نزاع و در نتیجه ناامنی اجتماع شوند.^۱ شارع

۱. از دیگر مواردی که امنیت اخلاقی و روانی جامعه را با چالش مواجه می‌کند گسترش دروغ و غیبت است. تردیدی نیست که غیبت کردن نوعی ظلم در حق غیبت‌شونده بوده و غیبت‌کننده با چنین عملی آبروی دیگری را مورد هدف قرار می‌دهد؛ زیرا هر انسان عاقلی - اعم از مسلمان و غیر آن - طینت و فطرتش به گونه‌ای است که اگر در غیاب او حرفی گفته شود که به ضرر او باشد، آن را محکوم نموده و از گوینده آن ناراضی می‌شود. همچنین، با شیوع و رواج غیبت آتش اختلاف و تفرقه در بین انسان‌هایی که به حکم عقل و شرع باید با یکدیگر رفتار حسنه و معاشرت نیکو داشته باشند تا بتوانند همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند برافروخته شده و منجر به شقاق و اختلاف بین آن‌ها می‌شود. آیت‌الله مکارم شیرازی معتقد است غیبت ظلم آشکار در حق فرد بوده، باعث ریختن آبروی وی شده و اهانت و تحقیر و ایداء شخص را در پی دارد. ایشان غیبت را دارای مفاسد زیادی، از جمله برافروختن آتش عداوت و دشمنی در بین افراد، می‌داند که رواج آن باعث سلب اعتماد مردم نسبت به یکدیگر می‌شود که در صورت شیوع آن حتی ممکن است گاهی به ریختن خون افراد منجر شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶: ۲۷۰). دروغ‌گویی نیز از رذایلی است که امنیت اخلاقی و سلامت روانی جامعه را تهدید می‌کند. خداوند در این زمینه درباره کافران می‌فرماید: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (بقره: ۱۰)؛ در دل‌های آنان یک نوع بیماری است. خداوند بر بیماری آنان افزوده و به خاطر دروغ‌هایی که می‌گفتند، عذاب دردناکی در انتظار آن‌هاست». بر کسی پوشیده نیست که مهم‌ترین سرمایه یک جامعه اعتماد متقابل و اطمینان عمومی است و مهم‌ترین چیزی که این سرمایه را به نابودی می‌کشاند دروغ و خیانت و تقلب است، و یک دلیل عمده بر اهمیت فوق‌العاده راست‌گویی و ترک دروغ در تعلیمات اسلامی همین موضوع است. از حضرت علی علیه السلام منقول است که فرمودند: «از نشانه‌های ایمان گزینش راست‌گویی بر دروغ است؛ آنجا که راستی به زیانت و دروغ به سودت باشد». در روایتی دیگر از مؤمنان خواسته شده است که به راستی پایبند باشند؛ اگرچه چنین بیندارند که نجات در دروغ است؛ زیرا چهره واقعی دروغ‌چیزی جز هلاکت نمی‌تواند باشد: «اجْتَنِبُوا الْكُذْبَ؛ وَ إِنْ رَأَيْتُمْ فِيهِ النَّجَاةَ؛ فَإِنَّ فِيهِ الْهَلَكَةَ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۹: ۸۸) و در روایتی دیگر از امام علی علیه السلام منقول است که

مقدس اسلام برای جلوگیری از این پدیده کیفرهایی را برای توهین‌کنندگان به افراد قرار داده است؛ از جمله در آیه چهارم سوره نور فرموده است که چنین اشخاصی باید به سختی مجازات شده و کیفر شلاق درباره آن‌ها جاری شود: «وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُ الْمُحْصَنَاتِ تَمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةٍ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ».

در آیه مزبور مجازات شدیدی برای تهمت‌زنندگان در نظر گرفته شده است تا ایشان نتوانند حیثیت پاکان را لکه‌دار کنند و حیثیت و حرمت خانواده‌های پاک‌دامن از خطر این‌گونه اشخاص مصون مانده و کسی جرئت تعرض به آبروی مردم را پیدا نکند. در هر حال، هدف از این حکم اولاً: حفظ آبرو و حیثیت انسان‌هاست؛ و ثانیاً: جلوگیری از مفاسد فراوان اجتماعی و اخلاقی است که از این رهگذر دامان جامعه را می‌گیرد؛ چه اینکه حتی ممکن است به خاطر این تهمت‌های ناروا فرد به همسر خود بدبین شود و پدر نسبت به مشروع بودن فرزند خود! با شیوع تهمت در جامعه موجودیت خانواده به خطر افتاده و محیطی از سوءظن و بدبینی بر اجتماع حکم فرما می‌شود؛ بازار شایعه‌سازان داغ و دامان پاک‌دامنان در اذهان لکه‌دار می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴: ۳۷۶). ضرورت چنین حکمی خاصه در فضای امروزی - که با گسترش روزافزون وسایل ارتباط جمعی، بستر شایعه‌سازی و تهمت‌زنی نیز افزایش چشمگیری یافته و در اندک زمانی انواع اخباری که نمی‌توان سره آن‌ها را از ناسره تشخیص داد در فضای مجازی پخش می‌شود - ملموس‌تر است. مطابق با همین ضرورت، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به شیعه و سنی هشدار می‌دهند که: «شیطان امروز از راه اینترنت و ماهواره و روش‌های ارتباطی مدرن و فوق مدرن سراغ شما می‌آید،

فرمودند: «از دروغ‌گویی برکنار باشید که از ایمان فاصله دارد؛ راست‌گو در ساحل نجات و بزرگواری است و دروغ‌گو در لبه پرتگاه هلاکت و پستی است» (نهج البلاغه: خطبه ۸۵) و این همان سفارش پیامبر گرامی اسلام ﷺ به ایشان بود که در وصیت خود به حضرت فرمودند: «از دروغ‌گویی برحذر باش و مباد که از دهانت جز به راستی سخنی دیگر خارج شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۷۹). در بسیاری از روایات از دروغ به عنوان بزرگ‌ترین عامل انحطاط اجتماعی و مروج فساد اخلاق و شیوع تزویر و نفاق و ریا یاد شده است. از امام باقر علیه السلام منقول است که فرمودند: «خداوند برای شر و پلیدی قفل‌هایی نهاد و کلید آن قفل‌ها را شراب قرار داد و دروغ از شراب پلیدتر و زشت‌تر است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۳۹).

حرف‌های مدرنی هم دارد؛ سخت‌افزارش را مدرن کرده، نرم‌افزار مدرن هم دارد. شبهه‌آفرینی دارد، اخلال در عقیده دارد، ایجاد تشویش در ذهن دارد، تزریق ناامیدی دارد، ایجاد اختلاف دارد. الان دلارهای نفتی دارد یک جاهایی صرف می‌شود؛ بنده خبر دارم، اطلاع دارم. این‌ها گزارش‌هایش غالباً گزارش‌هایی است که پخش نمی‌شود. در بعضی از کشورهای اسلامی مثل ریگ پول می‌ریزند برای اینکه در بین سنی‌ها اجتماع ضدشیعه درست کنند. این از این طرف؛ از آن طرف هم به یک گوینده به اصطلاح شیعی پول می‌دهند که در تلویزیون، به نام شیعه، ام‌المؤمنین عایشه را متهم کند، قذف کند، اهانت کند؛ روش‌ها این‌هاست. شما در مقابل این روش‌ها چه کار می‌کنید؟ سنی چه کار می‌کند؟ شیعه چه کار می‌کند؟ از کارهای این‌ها گول نخوریم. اختلاف برای آن‌ها بیشترین و بزرگ‌ترین نعمت است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۰). همچنین، ایشان گوشزد می‌کنند که گاهی همین تمسخرها و تحقیر و توهین کردن‌ها، آدم‌های بزرگی را مستأصل و بیچاره می‌کند؛ آن‌طور که به اجبار هم‌رنگ جماعت می‌شوند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۱۱/۲۰). ایشان در ضمن بیاناتی در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اهمیت حفظ آبروی افراد بر پرهیز از بیان مطالب اثبات‌نشده از تریبون پراهمیت مجلس انگشت تأکید می‌نهند و چنین می‌فرمایند: «یک مسئله هم مسئله آبروی افراد است. مراقب آبروی افراد باشید. گاهی اوقات انسان می‌بیند، فرض کنید در یک صحبتی، در یک نطقی در مجلس - که بلندگوی مجلس با مثلاً فلان پایگاه اینترنتی و نمی‌دانم فضای مجازی فرق دارد؛ اینجا یک مرکز مهم مسئول است - از این بلندگو گاهی اوقات راجع به یک کسی یک چیزی گفته می‌شود که تحقیق نشده است. خب، این وزر و وِبالش پاک‌شدنی نیست. اگر بعد ثابت شد برای خودتان که این خلاف بوده - مثلاً فرض کنید این حرف - چه جوری می‌خواهد آدم جبران کند؟ خیلی مشکل است. یعنی حالا البته، ممکن هست جبران‌ش، اما بسیار مشکل است. مراقب باشید این انجام نگیرد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۳/۴). همچنین، معظم‌له در دیدار با رئیس، مسئولان عالی و قضات قوه قضاییه خاطر نشان می‌کنند که حفظ آبروی افراد یکی از مسائل بسیار حساس و مهم بوده و بخش چشمگیری از این موضوع، متأسفانه به فضا سازی‌ها و شایعه‌سازی‌های برخی مطبوعات و پایگاه‌های رایانه‌ای مربوط می‌شود؛

اما قوه قضاییه نباید به هیچ وجه تحت تأثیر این جوسازی‌ها قرار گیرد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۴/۷).

۴-۴. مجازات جرایم جنسی

خداوند حکیم در باب مجازات زناکاران فرموده است: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهَدَ عَدَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور: ۲)؛ زناکاران را چه مرد باشند و چه زن، صد ضربه شلاق بزنید؛ اگر که به پروردگار و روز جزا ایمان دارید.

ناگفته پیداست که شیوع زنا و جرایم جنسی، از موجبات اصلی ناامنی اجتماعی بوده و حتی ممکن است منجر به نزاع‌های ناموسی شود که قتل مردمان را در پی داشته باشد. در توضیح بیشتر مطلب باید گفت در هر نظام اجتماعی و به خصوص در اسلام، یک سری امور هستند که مصالح اساسی جامعه را تشکیل می‌دهند و از اهمیت خاصی برخوردارند؛ از جمله این امور می‌توان به سلامت نسل و قداست خانواده اشاره کرد که در منابع معتبر دینی ما مورد تأکید بسیار واقع شده است. این تأکید تا آنجاست که حتی برای مراحل قبل از انعقاد نطفه هم دستورهای ویژه‌ای برای تزکیه و تطهیر توصیه شده است. همچنین، در مراحل پس از آن: بارداری، ولادت و نحوه رفتار با کودک و نوجوان و جوان در محیط خانه و جامعه، به منظور پرورش نسلی صالح، مقررات معینی پیش‌بینی شده است تا نسل آینده جامعه سالم، صالح و کارآمد باشد. به همین دلیل، اسلام بر روابط زنان و مردان کنترل شدید را در کمال احتیاط اعمال می‌کند و این امر با توصیه‌های مذهبی و اخلاقی و ارشادهای مستمر پیگیری شده و ارتکاب جرایمی که مخل به سلامت نسل و استحکام خانواده باشد، موجب مجازات می‌شود. مرتکب زنا که اساس مدنیت را در معرض خطر قرار داده و تیشه به ریشه حیات اجتماعی می‌زند، از نظر اسلام به عنوان یک مجرم اجتماعی مستحق عقوبت است.

باتوجه به آثار شوم و عواقب زیان‌باری که بر این عمل شنیع مترتب است، حرمت آن از دیدگاه اسلام مبرهن و آشکار می‌شود. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِتْمَانًا»

فاحشه و سائت سیلاً (اسراء: ۳۲)؛ نزدیک زنا نشوید که کاری بسیار زشت و بد راهی است». چون اسلام یک دین آسمانی برای هدایت بشر است، سلامت نسل‌ها و قداست خانواده - به‌عنوان رکنی از ارکان سازنده جامعه - اهمیت خاصی در این دارد. از این رو، برای تنظیم سالم روابط و حفظ حرمت خانواده و صالح بودن نسل بشر، بر کنترل عادلانه و صحیح روابط مردان و زنان تأکید بسیار دارد. ارتکاب جرایمی همانند زنا، که مخّل به این روابط است، مشمول مجازات شدید (حدّ) شناخته شده است تا کسی جرئت بی‌توجهی به سرنوشت خانواده و نسل آینده جامعه پیدا نکند و از مسیر صحیح اشباع غریز بیرون نرود. حدودی مانند تازیانه و رجم و به‌تعبیری مجازات شدید، موجب پیشگیری جدی از وقوع جرم ننگین زنا است؛ زیرا احتمال مجازات فوق‌العاده شدیدی که در برابر زناکاران قرار داده شده است در روحیه غالب افراد مؤثر است و حالت تهدیدی آن می‌تواند در آن‌ها اثر بگذارد. این تأکید و تهدید برای این است که ارتباط نامشروع در جامعه شایع نشود و کانون خانواده استحکام و قداست خود را حفظ کند و نسل بشر در پرتو تربیت صحیح، سالم و صالح و کارآمد و مقید بار بیاید؛ چراکه در صورت رواج روابط نامشروع و شیوع بی‌بندوباری جنسی، بنیان جامعه از اساس متزلزل می‌شود. مرتکب عمل زنا کسی است که تیشه به ریشه حیات اجتماعی می‌زند و اساس مدنیت را در معرض خطر قرار می‌دهد و... از نظر اسلام یک چنین فردی به‌عنوان مجرم اجتماعی مستحق عقوبت است. بدیهی است که افراد جسور و شروری که مصالح خود و جامعه را به تباهی می‌کشاند، باید به اشدّ مجازات گرفتار شوند تا از یک سو عبرت دیگران شوند و از سوی دیگر، محیط از آلودگی گناه آنان پاک گردد.

صاحب تفسیر المیزان در این زمینه می‌نویسد: «این که می‌بینیم تمام اقوام و ملل در همه اعصار این عمل را زشت و فاحشه خوانده‌اند، برای این بوده که می‌فهمیدند این عمل باعث فساد انساب و شجره‌های خانوادگی و قطع نسل و ظهور و بروز امراض گوناگون تناسلی گشته و همچنین باعث بسیاری از جنایات اجتماعی، از قبیل آدم‌کشی و چاقوکشی و سرقت و جنایت و امثال آن، می‌شود و نیز باعث می‌شود که عفت و حیا و غیرت و مودّت و رحمت در میان افراد اجتماع جای خود را به بی‌عفتی و بی‌شرمی و بی‌غیرتی و دشمنی و شقاوت بدهد» (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱۳: ۱۱۸).

مبارزه با فساد و فحشا در منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای جایگاه ویژه‌ای دارد. ایشان اشاعه فساد و فحشا را نقشه دشمنان قسم خورده اسلام و انقلاب دانسته و اظهار می‌دارند که: «دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط - فرهنگ فساد و فحشا - سعی می‌کند جوان‌های ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک "تهاجم فرهنگی" بلکه باید گفت یک "شیب‌خون فرهنگی" یک "غارت فرهنگی" و یک "قتل عام فرهنگی" است» (آیت الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۴/۲۲). مقام معظم رهبری با هوشیاری کامل دسیسه دشمنان دین را بر آفتاب افکنده و تأکید می‌نمایند که امروز بعد از آنکه تمام سیاست‌ها و شگردهای استکبار جهانی در مقابل انقلاب به شکست رسیده و موفق نشده‌اند که انقلاب را وادار به عقب‌نشینی کنند، دست زدند به کارهایی که البته، جزو شیوه‌ها و روش‌های شایع و رایج است، اما صلابت و هیبت انقلاب تاکنون اجازه نمی‌داده؛ حالا این‌ها می‌خواهند تدریجاً یک چنین کارهایی را شروع کنند، که یکی همین شایعه‌افکنی‌ها و زیر سؤال بردن مسئله جنگ، و دیگری مسئله ترویج فساد و فحشا در سطح جامعه است. بنده هر سال، مخصوصاً در هنگامی که گرمای هوا شروع می‌شود و تابستان شروع می‌شود، هشدار می‌دهم به آن کسانی که برخلاف خواست مردم، برخلاف فرهنگ مردم، برخلاف مقدسات مردم، در فضای جامعه از لحاظ لباس پوشیدن، نوع حرکت و رفتار و تظاهرات بی‌بندوبارانه [احساسات] مردم را جریحه‌دار می‌کنند؛ امسال هم باز می‌خواهم همین هشدار را بدهم... ما نمی‌گوییم فلان جور باید لباس بپوشید و غیر از آن جور را ما تحمل نمی‌کنیم؛ نه، در لباس پوشیدن مردم آزادند، اما یک چیزهایی را باید رعایت کنند: این لباس باید لباسی نباشد که مروج فساد و فحشا باشد؛ باید لباسی نباشد که تحریک‌کننده شهوت باشد؛ لباسی نباید باشد که گمراه‌کننده جوانان و بینندگان باشد. نوع حرکت در خیابان‌ها و راه رفتن در خیابان‌ها، نوع لباس پوشیدن، نوع آرایش سر و صورت، ما نسبت به این‌ها تنگ‌نظری نداریم، محدودیت ایجاد نمی‌کنیم؛ اما اینکه کسانی بخواهند از این راه دهن‌کجی به احساسات مردم و عواطف مردم بکنند، این را هم نه، قبول نمی‌کنیم. ترویج فساد و فحشا مسئله‌اش این است که برای آینده و سرنوشت هر ملتی، و برای نظم اجتماعی هر ملتی یک خطر به حساب می‌آید؛ یک خطر جدی، منهای اینکه حکم دین چیست. یکی از روش‌های صهیونیسم جهانی در جهت به‌بندکشیدن ملت‌ها،

شیوع فساد و فحشا و اختلاط جنسی است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۴/۱/۳۰). معظم‌له با اشاره به فرهنگ منحط غرب در این زمینه به ریشه‌یابی فرهنگ بی‌بندوباری اشاره کرده و اظهار می‌دارند که در جوامع غربی، ارتباط لجام‌گسیخته زن و مرد، یک پدیده رایج است. البته، ما مدعی نیستیم که در غرب همه زنان و مردان فاسد هستند؛ خیر، چنین چیزی واقعیت ندارد. در بین ایشان، به یقین انسان‌های نیکو نیز بسیارند؛ لکن آزادی جنسی در غرب حاکم است. در فرهنگ غرب، آزادی لذات جنسی وجود دارد. آن‌ها سعی دارند چنین فرهنگ منحطی را به دیگر نقاط دنیا نیز صادر نمایند؛ لکن حکومت جمهوری اسلامی، در برابر این هجمه مقاومت نمود و صریحاً اعلام کرد که به روابط لجام‌گسیخته اعتقادی نداشته و در برابر آن خواهد ایستاد. البته، در نظر برخی افراد، این یک مسئله جزئی و کم‌اهمیت است؛ لکن اشتباه می‌کنند، زیرا این امر بسیار مهم است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۱/۱۰).

نتیجه‌گیری

مطابق آنچه گذشت، «امنیت اجتماعی و روانی» یکی از مهم‌ترین و درعین حال اساسی‌ترین موضوعات زندگی آدمیان به‌شمار می‌رود که تأمین و توجه به آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. باید گفت اگرچه در معارف دینی و فقه اسلامی، کتاب و باب مستقلى تحت عنوان «امنیت» پیش‌بینی نشده است، دین مبین اسلام به شکل‌های گوناگون مباحث مرتبط با امنیت را به تفصیل مطرح کرده است که پاره‌ای از آن‌ها در این نوشتار تبیین شد. مطابق آنچه مطرح شد، مبارزه با برهم‌زنندگان نظم اجتماع که تحت عنوان محارب و مفسد از آن‌ها یاد می‌شود در تعالیم دینی و آیات قرآنی بسیار مورد تأکید قرار گرفته و مجازات سختی برای آن‌ها پیش‌بینی شده است. همچنین، جهاد دفاعی نیز در زمره آموزه‌های درخشان فقه اسلامی است که فقیهان به تفصیل در باب آن سخن رانده‌اند. دین مبین اسلام همچنین به امنیت روانی از رهگذر تحریم اموری مانند غیبت و دروغ نیز توجه شایانی داشته و شیوع این امور را عاملی در جهت برهم‌خوردن نظم اجتماع معرفی کرده است؛ کما اینکه برخی از امور ناروای جنسی از قبیل زنا نیز از آنجاکه ناامنی شدید اجتماعی به وجود می‌آورند به شدت مورد

نهی شارع حکیم قرار گرفته‌اند. مذاقه در آرای حکیمانه مقام معظم رهبری نیز حکایت از اهمیت چشمگیر مقوله امنیت اجتماعی در اندیشه ایشان دارد؛ به طوری که چنان‌که در خلال سطور مقاله به تفصیل ذکر شد، معظم‌له در بیانات خویش مسئله امنیت اجتماعی را با مصادیق گوناگون آن مورد تأکید قرار داده و در این زمینه رهنمودهای ویژه‌ای نیز ارائه کرده‌اند که توجه به آن‌ها می‌تواند به مثابه الگوی راهبردی ازسوی مدیران بخش‌های گوناگون کشور مورد عنایت قرار گرفته و ایشان باتوجه به بیانات معظم‌له به برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی در زمینه تأمین امنیت اجتماعی و روانی بپردازند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

- قرآن کریم، (ناصر مکارم شیرازی، مترجم).
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت، دارالفکر.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۲). دانشنامه سیاسی. تهران. نشر مروارید.
- افتخاری اصغر؛ و نهازی، غلامحسین (۱۳۸۹). امنیت عمومی در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری. دانش انتظامی، ۱۲(۳). ۷-۵۰.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). المحاسن، قم. دارالکتب الإسلامیه.
- بروجری، آقاحسین طباطبایی (۱۴۲۹). منابع فقه شیعه. تهران، فرهنگ سبز.
- جزایری، شریعتمدار (۱۳۷۹). امنیت در فقه سیاسی شیعه. علوم سیاسی، ۳(۹)، ۵-۳۱.
- جعفری، محمد تقی (۱۴۱۸). منابع فقه. تهران، موسسه نشر کرامت.
- جلیلوند، محسن؛ و هاشمی، راضیه (۱۴۰۱). امنیت اجتماعی در آرا امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری. مطالعات منافع ملی، ۸(۲۹). ۱۴۹-۱۷۲.
- جمعی از محققان در پژوهشگاه تحقیقات اسلامی (۱۴۲۸). جهاد در آینه روایات. قم، زمزم هدایت.
- جمعی از محققان (۱۴۲۹). فرهنگ موضوعی جهاد و دفاع. قم، انتشارات زمزم هدایت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴). المفردات فی غریب القرآن. قم، دفتر نشر کتاب.
- ری شهری، محمد محمدی (۱۳۹۱). دانشنامه قرآن و حدیث. قم، دارالحدیث.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸). بسط تجربه نبوی. تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.
- شایگان، فریبا (۱۳۹۲). تهدیدهای امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری. نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۳(۲)، ۲۴۵-۲۷۱. <https://doi.org/10.22059/jstmt.2013.55728>
- شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۱۹). ذکر الشیعه فی أحكام الشریعه. قم، مؤسسه آل البيت.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰). اللمعه دمشقیه فی فقه الإمامیه. بیروت، دارالتراث.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم، تبیان.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۷). مجمع البیان. بیروت، دار المرتضی.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶). مجمع البحرین. تهران، کتابفروشی مرتضوی.

- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰). تحریر الأحكام الشرعية. قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۴). ماهیت و چیستی شناسی «فقه امنیت» و «فقه امنیتی». حکومت اسلامی، ۲۰(۴)، ۵-۲۶.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۴۲۱). فقه سیاسی. تهران، انتشارات امیر کبیر.
- فراهانی، میرزا ابوالقاسم قائم مقام (۱۴۲۶). رساله جهادیه. قم، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین. قم، مؤسسه دارالهجره.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴). المصباح المنیر. قم، مؤسسه دارالهجره.
- قرائتی، محسن (۱۳۷۴). تفسیر نور. تهران، مؤسسه در راه حق.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۱۰ق). بحار الأنوار. بیروت، مؤسسه الطبع و النشر.
- مشکینی، میرزاعلی (۱۴۱۹). مصطلحات الفقه. قم، نشر الهادی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). فقه و حقوق (مجموعه آثار). قم، صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی. تهران، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). آشنایی با علوم اسلامی (جلد ۱). تهران، انتشارات صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۰). فرهنگ فارسی (یک جلدی). تهران، سرایش.
- مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶). أنوار الفقاهة-کتاب التجارة. قم، انتشارات مدرسه امام علی علیه السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷). دائرة المعارف فقه مقارن. قم، انتشارات مدرسه امام علی علیه السلام.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹). مبانی فقهی حکومت اسلامی. قم، مؤسسه کیهان.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۹). تحریر الوسیله. قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۲). جوان مسلمان و دنیای متجدد. تهران، طرح نو.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. مؤسسه آل البيت، بیروت.
- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۴۲۶). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت. قم، دائره المعارف فقه اسلامی.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۶). محارب کیست و محاربه چیست. قم، فقه اهل بیت فارسی. ۳(۱۱). ۱۴۳-۲۰۰.